

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۹/۱۸

تاریخ تصویب مقاله: ۹۴/۱۰/۱۶

پیش‌بینی شادکامی بر اساس ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده با واسطه‌گری تاب‌آوری در دانش‌آموزان

دکتر فرهاد خرمایی*، عباس اکبری**، مصطفی صبری*** و حسین نیرومند****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری در رابطه بین ابعاد الگوی ارتباطی خانواده و شادکامی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه بود. بدین منظور ۳۸۶ دانش‌آموز دختر و پسر مقطع متوسطه شهر شیراز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲)، مقیاس تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) و پرسشنامه شادکامی آکسفورد (هیلز و آرجیل، ۲۰۰۱)، استفاده شد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، تاب‌آوری و شادکامی رابطه معناداری وجود دارد، به این صورت که بین جهت‌گیری گفت و شنود خانواده، تاب‌آوری و شادکامی رابطه مثبت و بین جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده، تاب‌آوری و شادکامی، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، بین تاب‌آوری و شادکامی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده، پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری و

* استادیار گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

abbas.akbari47@yahoo.com

** دانشجوی روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول

*** دانشجوی روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

**** دانشجوی روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز

شادکامی فرزندان و جهت‌گیری همنوایی خانواده، پیش‌بینی‌کننده منفی بوده است. همچنین، تاب‌آوری در رابطه بین جهت‌گیری گفت و شنود و شادکامی نقش متغیر واسطه‌ای سهمی و در رابطه بین جهت‌گیری همنوایی و شادکامی، نقش واسطه‌ای کامل را ایفا می‌کند.

کلید واژه‌ها: الگوهای ارتباطی خانواده، تاب‌آوری، شادکامی، جهت‌گیری گفت و شنود، جهت‌گیری همنوایی

مقدمه

فلاسفه و صاحب‌نظران، حداقل از زمان یونان باستان در باره شادکامی^۱ و شرایط لازم برای دستیابی به آن به تفکر و تأمل پرداخته‌اند. ارسطو^۲ (۳۸۴-۳۲۲ قبل از میلاد) معتقد بود که هدف تمام تلاش‌های انسانی کسب شادمانی به معنای یک زندگی خوب یا تداوم یک زندگی خوب است. او شادمانی را در ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های عالی انسانی می‌داند مثل توانایی استدلال و تفکر، عدالت، صداقت، وفاداری، شجاعت، سخاوت، گذشت نسبت به دیگران، کنترل خویشتن و اعتدال در مواردی چون مصرف غذا و رابطه جنسی او همچنین معتقد بود که خوب بودن یا پرهیزگار بودن به معنی نافع‌الآن کافی نیست، بلکه باید مزایا و جنبه‌های مثبت آن به شکل رفتاری در زندگی روزمره بروز نماید (فریش^۳، ۱۳۹۰). این انگاره ارسطو در مورد کسب شادکامی از طریق تجلی و ابراز توانمندی‌های انسانی، امروزه توجه به نقاط قوت نام گرفته که در رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر^۴، انعکاس یافته است (سلیگمن^۵، ۲۰۰۲). به نقل از فریش، (۱۳۹۰)، روان‌شناسی مثبت‌نگری که هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارند (سامانی، جوکار و صحراگرد، ۱۳۸۶). از این روی

^۱ - happiness

^۲ - Aristotle

^۳ - Frisch

^۴ - positive psychology

^۵ - Seligman

با اهمیت یافتن روزافزون رویکرد روانشناسی مثبت‌نگر، شادکامی به عنوان یکی از اهداف مهم آن همواره مورد توجه پژوهش‌گران این حوزه بوده و پژوهش‌های زیادی در مورد چیستی آن و عوامل پیش‌بینی‌کننده آن صورت گرفته است.

در رابطه با تعریف شادکامی در روان‌شناسی، وین هاون (۱۹۹۶، به نقل از فریش، ۱۳۹۰) بیان می‌دارد که وقتی نیازها، اهداف یا آرزوهای مان در زندگی روزمره برآورده می‌شود، احساس رضایت‌مندی می‌کنیم و سپس به لحاظ عاطفی و هیجانی احساس شادی به ما دست می‌دهد. دسی^۱ (۲۰۰۸، به نقل از فرانکلین، ۱۳۹۰) بیان می‌دارد که زیستن با شادکامی، زمانی وجود دارد که (۱) انسان به جای آرمان‌های بیرونی مثل شهرت، در طلب آرمان‌های درونی یا ذاتی، مثل بالندگی و دوستی باشد؛ (۲) اعمال او به جای اینکه توسط نیروهای بیرونی رانده شوند، تحت کنترل خودش باشد؛ (۳) به جای عادت کورکورانه و خودکار، با آگاهی و اندیشه کامل عمل کند؛ و (۴) برای کمال بخشیدن به نیازهای اساسی انسانی مثل نیاز به خودمختاری و شایستگی تلاش نماید. کار^۲ (۲۰۰۴)، معتقد است شادکامی از جمله نیازهای اساسی بشر است که افراد برای به وجود آوردن یک زندگی بارور به آن نیاز مبرم دارند در همین راستا، آرجیل، مارتین و لو^۳ (۱۹۹۵)، سه جزء اساسی برای شادکامی قایل هستند که عبارتند از عواطف مثبت^۴، عواطف منفی^۵ و رضایت از زندگی^۶ و آرجیل^۷ (۲۰۰۱) بیان می‌دارد که شادکامی عبارت است از وجود عواطف مثبت، فقدان عواطف منفی (مثل افسردگی^۸، اضطراب^۹ و یا فشارهای روانی) و رضایت از زندگی. بر مبنای این تعریف، هر عاملی که عواطف مثبت و رضایت از زندگی را

^۱- Deci

^۲-Carr

^۳-Argyle, Martin & Lu

^۴- positive affect

^۵- negative affect

^۶- life satisfaction

^۷- Argyle

^۸- depression

^۹- anxiety

افزایش و عواطف منفی را کاهش دهد می‌تواند سطح شادکامی راتحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، تاب‌آوری به عنوان یک عامل فردی که دارای پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است (ماستن^۱، ۲۰۰۱؛ راتر^۲، ۱۹۹۹؛ گارمزی^۳، ۱۹۹۱) و موجب افزایش رضایت از زندگی، کاهش عواطف منفی و افزایش عواطف مثبت می‌شود (ابوالقاسمی، تکلوی ورناب، ۲۰۱۰؛ سامانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ لیو، وانگ و لو^۴، ۲۰۱۳؛ لیو، وانگ و لی^۵، ۲۰۱۲؛ باسو^۶، ۲۰۰۴؛ تاگاد و فردریکسون^۷، ۲۰۰۴) می‌تواند موجب افزایش شادکامی گردد (گلزاری و بهشتیان، ۱۳۹۲). والش^۸ (۱۹۹۶) در مطالعات خود به دو سطح تاب‌آوری اشاره می‌کند: یکی تاب‌آوری فردی و دیگری تاب‌آوری ارتباطی. سطح فردی به توانمندی فرد در فائق آمدن و غلبه یافتن بر مشکلات اشاره دارد و سطح ارتباطی، اشاره به نظام خانواده دارد و بیان‌گر آن است که خانواده چگونه با تجارب مخرب^۹ و شرایط استرس‌زا^{۱۰} مواجه می‌شود و چگونه اعضای خود را برای نوعی انطباق طولانی مدت آماده می‌کند. بنا به تعریف، تاب‌آوری به توانایی غلبه بر رویدادهای دارای بار استرس زیاد و حفظ سلامت روانی و سرزندگی روانی به رغم مواجهه با رویدادهای ناخوشایند اشاره دارد (آگایی و ویلسون^{۱۱}، ۲۰۰۵) و شامل ظرفیت یک سیستم پویا برای سازگاری موفقیت‌آمیز با اختلالاتی است که عملکرد، موجودیت یا فرایند رشد او را مورد تهدید قرار می‌دهد (ماستن، ۲۰۱۴) و افرادی تاب‌آور محسوب می‌شوند که به رغم اینکه سازگاری آن‌ها در

¹ -masten

² - Rutter

³ - Garmezy

⁴ - Liu, Wang & Lu

⁵ - Liu, Wang & Li

⁶ - Basu

⁷ - Tugade & Fredrickson

⁸ - Walsh

⁹ - Disruptive Experiences

¹⁰ - Stressful Experiences

¹¹ - Agaibi & Wilson

معرض تهدیدات شناخته شده قرار می‌گیرد، نتایج رشدی مثبتی به دست می‌آوردند (سیچتی^۱، ۲۰۱۰؛ گلدستین و بروکس^۲، ۲۰۱۳).

علاوه بر آنچه گفته شد، شادکامی یک موضوع کاملاً فردی نیست بلکه مضمونی اجتماعی نیاز دارد به طوری که ایجاد روابط خوب و لذت بردن از این روابط از جمله عوامل پیش‌بینی-کننده شادکامی محسوب می‌شود (مارتین، ریس، لودر و مک کلند^۳، ۲۰۱۱). در همین راستا، کویرنر و اسکروت^۴ (۲۰۱۴) نتیجه می‌گیرند که کیفیت روابط موجود در خانواده اثر عمیقی بر کیفیت زندگی افراد خواهد داشت، آرچیل (۲۰۰۱) ارتباطات اجتماعی را از مؤلفه‌های مهم شادکامی می‌داند و معتقد است که خانواده یکی از قوی‌ترین پیوندهای ارتباط اجتماعی است و برادشاو، کانگ، ریس و گازوامی^۵ (۲۰۱۱) بر نقش عوامل والدینی در شادکامی فرزندان تاکید می‌کنند. در رابطه با نقش خانواده در شکل‌دهی افکار و رفتار فرزندان، فیتزپاتریک و ریچی^۶ (۱۹۹۴) معتقد هستند خانواده مرجعی است که انتظارات، عقاید و هنجارهای زندگی خانوادگی را می‌سازد و از این طریق نحوه نگاه و تعامل فرد با هستی را تعیین می‌کند، آن‌ها با اشاره به تحقیقات انجام شده بیان می‌دارند که خانواده در هیچ حیطه‌ای به اندازه رفتارهای ارتباطی بر عملکرد فرزندان تأثیر نمی‌گذارد. در ارتباط با نحوه تعامل افراد خانواده مدل‌هایی ارائه شده است که از جمله آن‌ها مدل الگوهای ارتباطی خانواده^۷ می‌باشد. این مدل منعکس‌کننده چگونگی ارتباط والدین با فرزندان است (هوانگ^۸، ۲۰۱۰). در راستای این مدل، فیتزپاتریک و

¹ - Cicchetti

² - Goldstein & Brooks

³ - Martin, Reece, Lauder & McClelland

⁴ - Koerner, & Schrod

⁵ - Bradshaw, Keung, Rees & Gaswami

⁶ - Fitzpatrick & Rithchie

⁷ - family communication patterns

⁸ - Huang

ریچی (۱۹۹۴)، دو بعد جهت‌گیری گفت و شنود^۱ و جهت‌گیری هم‌نوایی^۲ را به عنوان باورهای اساسی شناسایی کردند که این ابعاد مشخص می‌کنند تا چه میزان اعضای خانواده از افکار و احساسات خود سخن می‌گویند و آنها را با یکدیگر در میان می‌گذارند. در بعد گفت و شنود، همه اعضای خانواده به بحث و تبادل نظر در باره طیف گسترده‌ای از موضوعات تشویق می‌شوند (کوئرر و فیتزپاتریک^۳، ۱۹۹۷) و به طور خودانگیخته و پیوسته با یکدیگر تعامل دارند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). این در حالی است که در بعد هم‌نوایی بر وابستگی و هماهنگی بین اعضا و اجتناب از تعارض و کشمکش تأکید می‌شود (فیتزپاتریک و کوئرر^۴، ۲۰۰۴) و اعضا در جهت یکسان کردن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید تحت فشار قرار می‌گیرند (کشتکاران، ۱۳۸۸). مطالعات انجام شده، نشان می‌دهند که هر یک از این جهت‌گیری‌ها می‌تواند آثار و پیامدهای خاص خود را داشته باشد. در این رابطه جوکار و رحیمی (۱۳۸۶)، نشان دادند که بین الگوهای ارتباطی خانواده و شادکامی رابطه وجود دارد، به این صورت که الگوهای واجد گفت و شنود بالا، از میانگین نمره شادکامی بالاتر و الگوهای واجد هم‌نوایی بالا از میانگین نمره شادکامی پایین‌تری برخوردارند. مولوی، خسروی، نشاط‌دوست و کلانتری (۱۳۸۹)، دریافتند که جهت‌گیری گفت و شنود، نقشی اساسی در شادکامی افراد خانواده دارد. همین‌طور زرنقاش، زرنقاش و زرنقاش (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که بین الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان رابطه وجود دارد، به این صورت که الگوی گفت و شنود قادر است سلامت روان را به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی کند و از این گریق می‌توان انتظار داشت که این بعد از الگوهای ارتباطی خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار شادکامی باشد.

¹ - conversation

² - conformity

³ - Koerner & Fitzpatrick

⁴ - Fitzpatrick & Koerner

علاوه بر این، از آنجا که خانواده به عنوان یک عامل حفاظتی برای تاب‌آوری محسوب می‌شود (گارمزی، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳؛ والش، ۱۹۹۶ و سکومب^۱، ۲۰۰۲)، در نتیجه انتظار می‌رود الگوهای ارتباطی خانواده بتوانند تاب‌آوری را نیز پیش‌بینی کنند. در همین زمینه، کشتکاران (۱۳۸۸) دریافت که جهت‌گیری گفت و شنود به صورت مثبت و جهت‌گیری هم‌نوایی به صورت منفی، تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند. فیتزپاتریک و کوثرنر (۲۰۰۴) دریافتند که فرزندان خانواده‌های با گفت و شنود بالا، تاب‌آوری بیشتر و فرزندان خانواده‌های با هم‌نوایی بالا، تاب‌آوری کمتری دارند. ویلسون، چیرنیک، ویلکام و اولت^۲، (۲۰۱۴)؛ زارعی^۳، فلاح‌چای^۴ و واحدی ساریجانی^۵ (۲۰۱۳)؛ حجت‌خان، رشیدی و زینهاری (۲۰۱۴) و کلوندی، محمدی و اویسی (۱۳۹۰) نیز به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری است. همسو با این پژوهش‌ها، ورنر و اسمیت^۶ (۱۹۸۲)؛ به نقل از ذاکری، جوکار و رزمجویی، (۲۰۱۰) دریافتند فرزندان والدینی که به نحو مثبتی پذیرای فرزندان بوده، مهربان هستند و فرزندان خود را حمایت می‌کنند، در مقایسه با فرزندانی که چنین تجاربی ندارند از سطوح تاب‌آوری بالاتری برخوردارند. پژوهش جوکار، رزمجو^۷ و ذاکری^۸ (۲۰۱۱) نیز نشان داد که بین جهت‌گیری گفت و شنود و تاب‌آوری تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. با توجه به مطالعات یاد شده که می‌گویند تاب‌آوری از یک طرف تحت تأثیر الگوی

¹ -Seccombe

² - Wilson, Chernichky, Wilkum & Owlett

³ - Zarei

⁴ -Fallahchai

⁵ - sarrigani,

⁶ - Werner & smith

⁷ - Jowkar

⁸ - Razmjoee

⁹ - Zakeri

ارتباطی خانواده است و از طرف دیگر شادکامی را پیش‌بینی می‌کند، می‌توان انتظار داشت که این سازه نقش واسطه‌ای بین الگوهای ارتباطی خانواده و شادکامی ایفا نماید. با مروری بر پژوهش‌های انجام شده در مورد عوامل موثر بر شادکامی روشن می‌شود که بیشتر این مطالعات، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع، مطالعات اندکی به بررسی نقش متغیرهای واسطه‌گر در این رابطه توجه کرده‌اند، لذا با توجه به چنین خلاء تحقیقاتی در کشور و عدم مشاهده پژوهشی که رابطه ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده را با شادکامی مورد بررسی قرار داده و در این بین سهم متغیرهای واسطه‌ای را مشخص کرده باشد، این پژوهش با هدف بررسی نقش واسطه‌گری تاب‌آوری در رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و شادکامی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام شده است.

روش

روش، جامعه و نمونه پژوهش

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است که با روش تحلیل مسیر انجام شده است. در این مطالعه جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی به عنوان متغیر برون-زاد، شادکامی به عنوان متغیر درون‌زاد و تاب‌آوری به عنوان متغیر واسطه در نظر گرفته شده است. برای آزمون نقش واسطه‌گری تاب‌آوری در رابطه بین ابعاد الگوی ارتباطی خانواده و شادکامی از مراحل پیشنهادی بارون و کنی^۱ (۱۹۸۶) به روش رگرسیون همزمان استفاده شد. برای این منظور، در مرحله اول رگرسیون شادکامی روی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده، در مرحله دوم رگرسیون تاب‌آوری روی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده و در مرحله سوم رگرسیون شادکامی روی ابعاد الگوی ارتباطی خانواده و تاب‌آوری به صورت همزمان محاسبه گردید. برای بررسی نقش واسطه‌ای تاب‌آوری ضریب رگرسیون ابعاد الگوی ارتباطی از مرحله اول به مرحله سوم مورد توجه قرار گرفت. بر مبنای پیشنهاد بارون و کنی (۱۹۸۶) اگر با ورود متغیر

¹ - Baron & Kenny

واسطه به الگو، ضریب متغیر مستقل یا برون‌زاد کاهش یابد نقش واسطه‌ای تأیید می‌شود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تشکیل می‌دادند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل ۳۸۶ دانش‌آموز دختر و پسر بودند (۲۰۰ دختر و ۱۸۶ پسر) که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند، به این صورت که از بین نواحی آموزش و پرورش شهر شیراز، دو ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شده و از هر ناحیه، دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه و سپس از هر مدرسه، دو کلاس (در مجموع ۱۶ کلاس) به صورت تصادفی انتخاب شدند.

ابزار

۱- ابزار تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده^۱: این مقیاس توسط کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) ساخته شده است و درجه موافقت یا مخالفت پاسخ‌دهنده درباره ۲۶ گویه در زمینه ارتباطات خانوادگی را به شیوه لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می‌سنجد. ۱۵ گویه اول مربوط به جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گویه بعدی مربوط به جهت‌گیری همنوایی می‌باشد. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) پایایی و روایی مطلوبی را برای این ابزار گزارش کرده‌اند. در ایران نیز جوکار و رحیمی (۱۳۸۶) روایی و پایایی مطلوبی برای این مقیاس بدست آورده‌اند. در پژوهش حاضر جهت تعیین پایایی از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای ابعاد گفت و شنود و همنوایی به ترتیب ضرایب ۰/۸۷ و ۰/۷۶ به دست آمد.

۲- مقیاس تاب‌آوری (کانر و دیویدسون)^۲: این مقیاس شامل ۲۵ گویه می‌باشد و توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید تهیه شده است. سوالات پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای بوده و به صورت ۱ (کاملاً نادرست) تا ۵ (همیشه

^۱ - Revised Family Communication Patterns(RFCP)

^۲ - CD-RISC

درست) نمره‌گذاری می‌شود. روایی و پایایی این مقیاس توسط سازندگان آزمون احراز گردیده است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). سامانی و همکاران (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را در دانشجویان ۰/۸۷ به دست آوردند. در پژوهش حاضر جهت پایایی مقیاس از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب پایایی برابر با ۰/۸۲ بدست آمد.

۳- پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۱: این پرسشنامه توسط هیلز و آرجیل^۲ (۲۰۰۱)، ساخته شده و تحت عنوان پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHQ) ارائه گردید، که متشکل از ۲۹ آیتم چهار گزینه‌ای است که گزینه‌های آن در یک طیف لایکرت به ترتیب از ۱ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شوند که دارای روایی و پایایی مطلوبی بوده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ، معادل ۰/۹۲ بدست آمد.

یافته‌ها:

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر شامل تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر شادکامی، تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر تاب‌آوری و تاثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری بر شادکامی گزارش شده است. در جدول ۱ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و نیز ماتریس همبستگی متغیرهای ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، تاب‌آوری و شادکامی نشان داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ -Oxford Happiness Inventory

² - Hills & Argyle

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، تاب‌آوری و شادکامی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
الگوی ارتباطی خانواده	۱- جهت‌گیری گفت و شنود	۴۹/۷۷	۱			
	۲- جهت‌گیری همنوایی	۳۰/۶۶	-۰/۳۴*	۱		
	۳- تاب‌آوری	۸۸/۸۱	۰/۲۴*	-۰/۲۵*	۱	
۴- شادکامی	۸۴/۷۹	۱۶/۲۲	۰/۳۲*	-۰/۲۵*	۰/۵۱*	۱

* کلیه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند.

جدول ۱ نشان می‌دهد که بین متغیرهای مدل، همبستگی معناداری وجود دارد. بدین معنی که جهت‌گیری گفت و شنود با تاب‌آوری ($r=0/24$) و شادکامی ($r=0/32$) رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین جهت‌گیری همنوایی با تاب‌آوری ($r=-0/25$) و شادکامی ($r=-0/25$) رابطه منفی معنادار دارد. از سوی دیگر، بین تاب‌آوری و شادکامی نیز همبستگی مثبت و معنادار ($r=0/51$) وجود دارد.

با توجه به معنادار بودن ضرایب همبستگی و به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شد. عمده‌ترین هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش واسطه‌ای تاب‌آوری بود که بدین منظور از مراحل پیشنهادی بارون و کنسی^۱ (۱۹۸۶) استفاده گردید. در نتیجه در مرحله اول، رگرسیون شادکامی روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (جدول ۲)، در مرحله دوم، رگرسیون تاب‌آوری روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (جدول ۳) و در مرحله سوم رگرسیون شادکامی روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری (جدول ۴) اجرا شد. در نهایت نتایج مراحل مختلف به صورت نمودار تحلیل مسیر ترسیم شده است (شکل ۲).

^۱ -Baron & Kenny

جدول ۲: رگرسیون شادکامی روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (مرحله اول)

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	P<	R	R ²	β	T	p <
جهت‌گیری گفت و شنود	شادکامی	۱۴/۳	۰/۰۱	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۲۶	۲/۷	۰/۰۱
						جهت‌گیری همنوایی	-۰/۱۶	۴/۲

در جدول ۲ ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/35$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/12$ بدست آمد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از واریانس شادکامی از طریق متغیرهای ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود ($\beta=0/26$) پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار شادکامی و جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده منفی آن ($\beta=-0/16$) است.

جدول ۳: رگرسیون تاب‌آوری روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده (مرحله دوم)

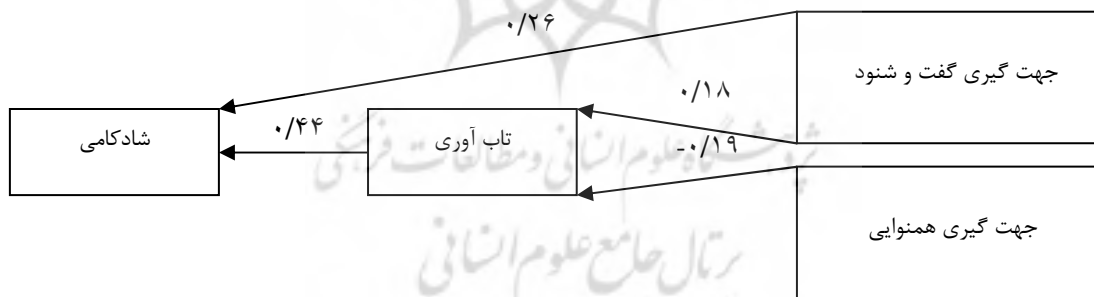
متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	P<	R	R ²	β	T	P
جهت‌گیری گفت و شنود	تاب‌آوری	۲۰/۳	۰/۰۱	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۱۸	۵/۹۴	۰/۰۵
						جهت‌گیری همنوایی	-۰/۱۹	۳/۳۲

در جدول ۳ ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/29$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/08$ بدست آمد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۸ درصد از واریانس تاب‌آوری از طریق متغیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان داد که جهت‌گیری گفت و شنود پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری ($\beta=0/18$)، و جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده منفی آن ($\beta=-0/19$) میباشد.

جدول ۴: رگرسیون شادکامی روی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری (مرحله سوم)

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	P<	R	R^2	β	T	P<
شادکامی	جهت‌گیری گفت و شنود	۲۸/۱۲	۰/۰۱	۰/۵۵	۰/۳۰	۰/۱۸	۱/۳۶	۰/۰۱
	جهت‌گیری همنوایی					۰-/۰۸	۴/۵۳	N.S
	تاب‌آوری					۰-/۴۴	۵/۵۱	۰/۰۱

در جدول ۴ ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/55$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/30$ بدست آمد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از واریانس شادکامی از طریق متغیرهای ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و تاب‌آوری قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان داد جهت‌گیری گفت و شنود ($\beta=0/18$) پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار شادکامی است، اما جهت‌گیری همنوایی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای شادکامی نمی‌باشد. علاوه براین، تاب‌آوری ($\beta=0/44$) نیز پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار شادکامی می‌باشد. مدل نهایی پژوهش، در نمودار (۱) آورده شده است.



نمودار ۱: مدل نهایی پژوهش حاضر

همانطور که شکل ۲ نشان می‌دهد بعد از انجام سه مرحله رگرسیون و با مقایسه ضرایب بتا در مرحله اول و سوم مشخص شد که از میان دو بعد الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت و شنود، هم به صورت مستقیم ($\beta=0/26$) و هم به صورت غیر مستقیم (از طریق اثرگذاری بر تاب‌آوری) پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار شادکامی در دانش‌آموزان است. با توجه به کاهش یافتن ضریب بتای مسیر جهت‌گیری گفت و شنود از مرحله اول ($0/26$) به مرحله سوم ($0/18$) می‌توان تاب‌آوری را به عنوان متغیر واسطه‌ای سهمی در رابطه بین جهت‌گیری گفت و شنود و شادکامی در نظر گرفت. علاوه بر این، با توجه به کاهش ضریب بتای مسیر جهت‌گیری هم‌نوایی از مرحله اول ($-0/16$) به مرحله سوم ($-0/08$) و غیر معنادار شدن این ضریب می‌توان تاب‌آوری را به عنوان متغیر واسطه‌ای کامل در رابطه بین جهت‌گیری هم‌نوایی و شادکامی در نظر گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای متغیر تاب‌آوری در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و شادکامی فرزندان بود. نتایج پژوهش حاضر، حاکی از آن است که جهت‌گیری گفت و شنود خانواده، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم بر شادکامی دانش‌آموزان اثر دارد. در رابطه با تاثیر مستقیم جهت‌گیری گفت و شنود بر شادکامی، نتیجه به دست آمده، همسو با پژوهش‌های جوکار و رحیمی (۱۳۸۶) و مولوی و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که افزایش گفت و شنود در خانواده، موجب مشارکت دادن نوجوانان در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود، که این امر علاوه بر اینکه فرصت ابراز وجود و استقلال برای آنها فراهم می‌سازد، به فضای عاطفی خانواده نیز غنا می‌بخشد و نوجوانان، حمایت اجتماعی خانواده را احساس می‌کنند. پیامد هر دو وضعیت، افزایش رضایت

خاطر افراد خانواده است (لو و شیخ^۱، ۱۹۹۷، بروکس^۲، ۱۹۹۷؛ به نقل از جوکار و رحیمی، ۱۳۸۶) که این رضایت خاطر می‌تواند سطح بالاتری از شادکامی را به ارمغان آورد. از سوی دیگر، الگوی ارتباطی گفت و شنود، موجب رشد عزت نفس در اعضای خانواده می‌شود و اعضای چنین خانواده‌هایی در مقایسه با سایر خانواده‌ها از انجام فعالیت‌های اجتماعی لذت بیشتری می‌برند (هوانگ، ۱۹۹۹). علاوه بر این، گفت و شنود در خانواده موجب رشد کفایت‌های ارتباطی فرزندان و نیز افزایش اعتماد به نفس آنان در تصمیم‌گیری می‌شود (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۱۹۹۷) و همینطور وجود گفت و شنود، بهانه‌ای می‌شود که اعضای خانواده از ارتباطات باز و آزاد بین خود لذت ببرند (هانگ، ۱۹۹۹). بنابراین، وجود فضای تعامل و گفت و شنود در خانواده، سبب می‌شود تا نوجوانان به راحتی احساسات و عواطف خود را با اعضای خانواده مطرح نمایند و با لذت بردن از فضای باز موجود سطح بالاتری از شادکامی را تجربه نمایند.

در رابطه با تاثیر غیر مستقیم جهت‌گیری گفت و شنود بر شادکامی دانش‌آموزان، نتایج پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطی گفت و شنود، با تاب‌آوری رابطه مثبت دارد و درصدی از واریانس تاب‌آوری را تبیین می‌کند. یعنی افراد متعلق به خانواده‌های با الگوی ارتباطی گفت و شنود قادرند در شرایط دشوار، تاب‌آوری بیشتری از خود بروز دهند. احتمالاً به این دلیل که افراد این خانواده‌ها به دلیل بیان افکار و احساسات خود و نیز دریافت افکار و احساسات دیگران، از درک عواطف بالایی برخوردارند. این ویژگی می‌تواند در موقعیت‌های پرخطر و ناگوار به عنوان یک عامل محافظت‌کننده عمل نماید و تاب‌آوری فرد را ارتقا بخشد (گوهم، ۲۰۰۳). از طرف دیگر تاب‌آوری به عنوان یک عامل فردی می‌تواند موجب افزایش سطح سلامت روان و رضایت‌مندی از زندگی شود (لیو، وانگ و لو، ۲۰۱۳؛ لیو، وانگ و لی، ۲۰۱۲ و سیلینمن، ۱۹۹۴) و همینطور از طریق کاهش مشکلات هیجانی (افسردگی، اضطراب و

¹ -lu & shih

² -brooks

فشار روانی) میزان رضایت‌مندی را افزایش دهد (باسو، ۲۰۰۴؛ سامانی و همکاران، ۱۳۸۶). در نتیجه کاهش مشکلات هیجانی مثل افسردگی، اضطراب و فشارهای روانی از طرفی و افزایش سلامت روان و رضایت‌مندی از زندگی از طرف دیگر می‌تواند سطح بالاتری از شادکامی را به همراه داشته باشد آرجیل (۲۰۰۱).

مجموع نتایج به دست آمده نشان داد که مدل الگوهای ارتباطی خانواده قادر است از طریق متغیر تاب‌آوری، شادکامی افراد را تبیین و پیش‌بینی کند و بنا براین خانواده‌هایی که از الگوی جهت‌گیری گفت و شنود بهره می‌برند ضمن افزایش سطح تاب‌آوری فرزندان، زمینه‌های لازم برای برخوردار شدن آنان از سطوح بالاتری از شادکامی را تدارک می‌بینند. از این روی با توجه به نقش برجسته خانواده به عنوان یک عامل تأثیرگذار در تاب‌آوری و شادکامی، ضروری می‌نماید که متولیان امر تعلیم و تربیت با اتخاذ سازوکارهای مناسب نسبت به بسط و گسترش فرهنگ گفتگو و تعامل در خانواده‌ها اهتمام بیشتری به خرج دهند.

همین‌طور با توجه به نقش عوامل والدینی در پیش‌بینی تاب‌آوری (گارمزی^۱، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳؛ والش، ۱۹۹۶ و سکومب^۲، ۲۰۰۲) و شادکامی (کانگ، ریس و گازوامی، ۲۰۱۱) فرزندان پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی متغیرهای خانوادگی دیگری مثل سبک‌های دلبستگی و فرایند و محتوای خانواده به عنوان متغیر پیش‌بین مورد توجه قرار بگیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ - Garmezy

² - Seccombe

منابع

۱. جوکار، بهرام و رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). بررسی تاثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر شیراز. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (فصلنامه اندیشه و رفتار سابق)، ۱۳(۴)، ۳۸۴-۳۷۶.
۲. سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶). تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایت‌مندی از زندگی. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۳(۳)، ۲۹۵-۲۹۰.
۳. فرانکلین، ساموئل اس (۱۳۹۰). شادکامی. (ترجمه جعفر نجفی زند) تهران: انتشارات سخن. تاریخ انتشار به زبان اصلی (۲۰۱۰).
۴. فریش، مایکل ب (۱۳۹۰). روان‌درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی: جلد اول، کاربرد رویکرد رضایت‌مندی از زندگی در روان‌شناسی مثبت‌نگر و شناخت درمانی، ترجمه اکرم خمسه، تهران، انتشارات ارجمند.
۵. کشتکاران، طاهره (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانش‌آموزان مدارس شیراز. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۱(۳۹)، ۴۳-۵۳.
۶. کلوندی، فواد؛ محمدی، شهلا و اویسی، جاهد (۱۳۹۰). پیش‌بینی تاب‌آوری توسط الگوهای ارتباطی خانواده در دانش‌آموزان پسر مقطع راهنمایی شهرستان قروه، دومین همایش ملی روانشناسی، قابل دسترسی در سایت: www.civilica.com
۷. گلزاری، محمود و بهشتیان، محمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه میزان تاب‌آوری با شادکامی و رضایت از زندگی در دانش‌آموزان دبیرستانی، قابل دسترسی در سایت: journal.Atu.Ac.ir
۸. مولوی، حسین؛ خسروی، صدراله؛ نشاط دوست، حمید طاهر و کلانتری، مهرداد (۱۳۸۹). اثربخشی الگوهای ارتباطی خانواده کثرت‌گرا بر میزان شادی زوجین. ارمغان دانش، ۱۵(۲)، ۱۳۳-۱۲۵.
9. Abolghasemi, A., & Taklavi, V.S. (2010). *Resilience and perceived Stress: predictors of life satisfaction in the students of success and failure*. *Procedia-social and behavioral sciences*, 5, 748-752.
10. Agaibi, C. E., & Wilson, S. (2005). *Resilience: A review of the*

- Literature*. Trauma Aiolence, J. P. Trauma, PTSD, and Abuse, 6 (3), 195-216.
11. Argyle, M. (2001). *Causes and correlates of happiness*. In D. Kahenman E. Diener & N. Schwarz Well (Eds.), *The foundation of hedonic psychology* (pp. 353-373).
 12. Argyle, M., Martin, M., & Lu, L. (1995). *Testing for stress and happiness: The role of the social and cognitive factors*. In C. D. Spielberger & I. G. Sarason (Eds), *stress and emotion*, Washington, DC: Taylor and Francis.
 13. Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). *The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategic, and statistical considerations*. Journal of Personality and Social Psychology, 51(6), 1173-1182.
 14. Basu, D. (2004). *Quality of life issues in mental care: past, present*. German Journal of Psychiatry, 7, 35-43.
 15. Bradshaw, J., Keung, A., Rees, G., & Gaswami, H. (2011). *Children's subjective well-being: international comparative perspectives*. Children and youth services review, 33, 548-556.
 16. Cicchetti, D. (2010). *Resilience under conditions of extreme stress: a multilevel perspective*. World Psychiatry, 9(3), 145-154.
 17. Carr A. (2004). *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*. New York: Psychology Press.
 18. Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). *Development of a new resilience scale. The conner-davidson resilience scale (CD-RISC)*. Depression and Anxiety, 18, 76-82.
 19. Fitzpatrick, M. A. (2004). *The family communication patterns theory: Observations on its development and application*. Journal of Family Communication, 4, 167-179.
 20. Fitzpatrick, M. A., & koerner, A. F. (2004). *Family communication schema effect on children's resilience running head: Family communication schemata, the evolution key of mass communication concepts: Honoring jack M. Mcleod*, 115-139.
 21. Fitzpatrick, M. A., & Rithchie, L. D. (1994). *Communication schemata within the family: Multiple prespective on family interaction*. Human Communication Research, 20, 275-301.

22. Garmezy, N. (1991). *Resilience and vulnerability to adverse developmental outcomes associate with poverty*, American Behavioral Scientist, 34, 416-430.
23. Garmezy, N. (1993). *Children in poverty: resilience despite risk*. Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes, 56, 127-136.
24. Gohm, D. (2003). *Mood regulation and emotional intelligence: individual differences*. Journal of Personality and Individual Differences, 38, 83-110.
25. Goldstein, S., & Brooks, R. B. (Eds.). (2013). *Handbook of resilience in children (2nd ed.)*. New York: Springer.
26. Hills, P., & Argyle, M. (2001). *Happiness, introversiion-extraversiion and happy introverts*. personality and individual defferences, 30, 595-608.
27. Hojatkhani, S.M., Rashid, A., & Zinhari, M. (2014). *The relationship of family communication patterns and emotional intelligence with resilience*. Reef resources assessment and management technical paper, 40(5), 101-105.
28. Huang, L. N. (1999). *Family communication patterns and personality characteristics*. Communication quarterly, 47(2), 230-243.
29. Huang, Y. (2010). *Family communication patterns, communication apprehension and soci communicative orientations*. A study of Chinese students, 10, 121-35.
30. Jowkar, B., Kohoulat, N., & Zakeri, H. (2011). *Family Communication Patterns and Academic Resilience*. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 29, 87 – 90.
31. Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). *Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family*. Communication Studies, 48, 59-78.
32. Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). *Toward a theory of family communication*. Communication theory, 12, 70-91.
33. Koerner, A. F., & Schrodt, P. (2014). *An Introduction to the Special Issue on Family Communication Patterns Theory*. Journal of Family Communication, 14, 1-15.
34. Liu, Y., Wang, Z., & Li, Z. (2012). *Affective mediators of the influence of neuroticism and resilience on life satisfaction*. Personality and individual differences, 52(7), 833-838.

- 35.Liu, Y., Wang, Z., & Lu, w. (2013). *Resilience and affect balance as mediators between trait emotional intelligence and life satisfaction*. Personality and individual differences, 54(7), 850-855.
- 36.Martin, P. R., Reece, J., Lauder, S., & McClelland, A. (2011). *A Randomised Controlled Trial of a Social Support Intervention*. Applied Psychology: Health and Well-Being, 3(1), 44–65.
- 37.Masten, A. S. (2001). *Ordinary majic: Resilience processes in development*. American Psychology, 56, 227-238.
- 38.Rutter, M. (1999). *Resilience concepts and findings:Implications for family therapy*. Journal of FamilyTherapy, 21, 119-144.
- 39.Secombe, K. (2002). *Beating the odds versus changing the odds: Poverty, Resilience, and family policy*. Journal of Marriage and Family, 64, 384-394.
- 40.Tugade, M. M. & Fredrickson, B. L. (2004). *Resilient Individuals use Positive Emotions to Bounce back from negative emotional experiences*. Journal of Personal and Social Psychology, 86, 320-333.
- 41.Walsh, F. (1996). *Family resilience: a Concept and its application*. Family Process, 42, 1-18.
42. Wilson, S. R., Chernichky, S. M., Wilkum, K., & Owlett, J. S. (2014). *Do family communication patterns buffer children from difficulties associated with a parent's military deployment? Examination deployed and at-home parents perspectives*. Journal of family communication, 14(1), 32-52.
- 43.Jowkar, B., Razmjoe, M. & Zakeri.m (2010). *Parenting styles and resilience*. Procedia Social and Behavioral Sciences, 5, 1067–1070.
- 44.Zarei, E., Fallahchai, S.R., & Vahedi sarrigani, N. (2013). *The study of relationship between family communication patterns with resilience and quality of life the high school girls students*. Journal of life science and biomedicine, 3(4), 289-293.
- 45.Zarnaghash, M., Zarnaghash, M., & Zarnaghash, N. (2013). *The relationship between family communication patterns and mental health*. Social and behavioral sciences, 84, 405-410.